

# بصفت از



## صداقت و خوش‌دلی یا پیشبرد اهداف؟

آنچه در تشکیل کابینه دولت چهاردهم اتفاق افتاد

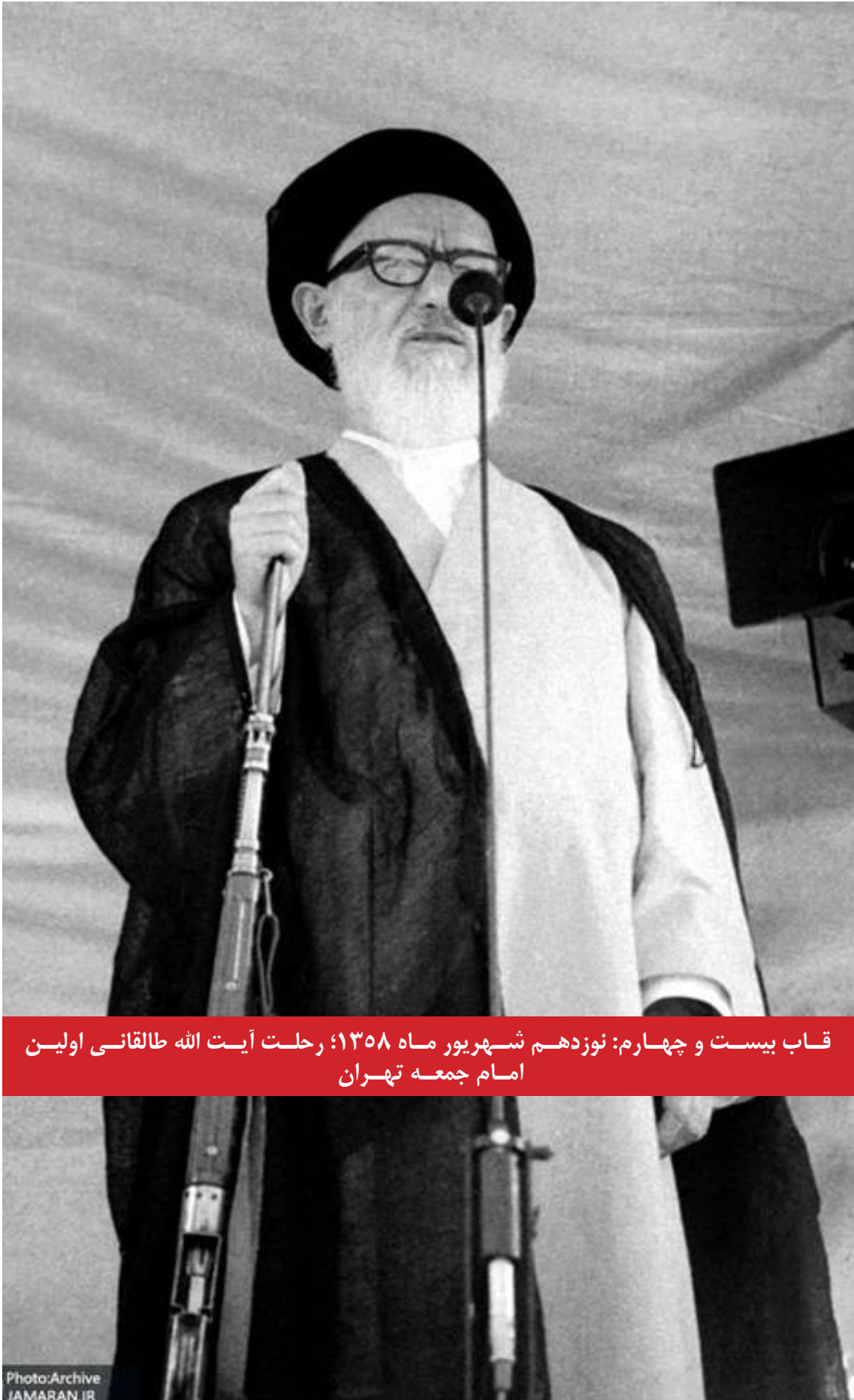
«۵»

## سخن سردبیر

آنچه می‌خواهیم!

دشمنان نظام هیچگاه موفقیت دولت و حکومت جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند بنابراین فارغ از اینکه چه دولتی سرکار باشد همواره می‌کوشند تا عملکرد دولت و نظام اسلامی را زیر سوال ببرند و باید تلاش شود تا جلوی این اقدامات و بوجود آمدن یأس و ناامیدی در کشور گرفته شود. از طرف دیگر دولت نیز باید مراقب باشد تا به قول معروف بهانه به دست دشمنان ندهد. یعنی از حرف، عمل و یا انتصابی که ممکن است باعث ایجاد حاشیه شود، دوری کند. آغاز دولت سیزدهم همزمان با شرایط ویژه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود. این دوره با توازن میان تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آغاز شد، از جمله تنش‌هایی بین عربستان و یمن و همچنین شروع جنگ در اوکراین که تأثیراتی بر روابط ایران با دیگر کشورها داشت. در این شرایط، شهید دکتر حسین امیرعبداللہیان به عنوان وزیر امور خارجه، با رویکردی خردمندانه و عملگرایانه تلاش کرد تا موانع پیش روی را بردارد و مسیر توسعه سیاست خارجی را فراهم کند. از جمله اقدامات وی می‌توان به توسعه روابط همسایگان، نگاه به شرق با عضویت در شانگ‌های و بریکس، و حمایت از دیپلماسی مقاومت اشاره کرد. این دوره تأثیرات بزرگی بر سیاست خارجی ایران داشته است و امیدواریم که ادامه‌ی آن با استدلال بر سیاست‌های کلی نظام و منافع ملی ایران، منجر به پیشرفت کشور شود. از این رو باید گفت نیاز است سیاست‌های پیش روی دولت چهاردهم ادامه‌دهنده راه دولت سیزدهم باشد. برنامه‌های هسته‌ای و دفاعی، محور مقاومت، موضوع فلسطین و همکاری با کشورهای دوست همچون روسیه و چین بهتر است همچنان در دولت‌های بعدی ادامه داشته باشد تا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از مسیر اصلی خود خارج نشود. اصل دوم قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی را نظامی مبتنی بر توحید دانسته و حاکمیت را در این نظام مختص به خداوند متعال تلقی کرده است. در نتیجه، توحید باید خود را در تمام ابعاد، اهداف و ساختارها و نظامات آن خود را نشان دهد. در صورت وقوع چنین امری، موضوع تقابل این نظام با ساختارهای بین‌المللی که بر مبانی متعارضی استوارند و اهداف متفاوتی را پی می‌گیرند مطرح می‌شود. از زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم، مسائل مختلفی در حوزه سیاست خارجی با جدیت مورد پیگیری قرار گرفتند که از جمله آنها می‌توان به تقویت نگاه به شرق، توسعه مناسبات اقتصادی با همسایگان و تلاش برای آزادسازی مطالبات و پول‌های بلوکه شده به همراه حمایت قاطع از جریان مقاومت در منطقه اشاره کرد. اینک که قرار است دولت چهاردهم در جمهوری اسلامی ایران شکل گیرد، ضرورت دارد با نگاهی موسع به مسائل سیاست خارجی بنگرد.

نرگس خطیب دماوندی



قاب بیست و چهارم: نوزدهم شهریور ماه ۱۳۵۸؛ رحلت آیت الله طالقانی اولین امام جمعه تهران

## حق با شماست!

چه ضمانتی وجود دارد که دوباره نظم جامعه برهم نخورد؟

● ریحانه زین الدینی - کارشناسی مهندسی عمران



برداشته شدن حجاب از سر دخترانمان شد که همچنان ادامه دارد و منجر به مشکلات زیادی شده است، چه حقی در آن وجود دارد؟ در کشور اسلامی که شعار و هدف اصلی آن دین و قوانین اسلامی است و بحث حجاب که حکم اصلی قرآن است چه حرف حقی باقی می‌ماند. این دانشجویان و استادانی که بقیه افراد را هم سمت جمهوری اسلامی با شعار (حجاب اجباری) شوراندند و خانواده‌هایی که بهم ریختند حرفشان حق بوده که حالا باید حق را به آنها بدهیم؟ در واقع حرف حق، حرفی است که در قرآن شش بار راجب حجاب توضیح داده و حکم اصلی دین است که باید رعایت شود. ما چه حقی می‌توانیم به افرادی بدهیم که کلام صریح قرآن را قبول ندارند و در کشور اسلامی درس می‌خوانند. همچنین جناب پزشک‌ها

خودمان را باید اصلاح کنیم نه اینکه دانشجو را بزنیم. صحبت‌های رئیس جمهور درباره دانشجویان اگر چه شاید بنا به نظرات بعضی‌ها کاملاً درست باشد اما ایراداتی بر صحبت‌های ایشان وارد است. دانشجویانی که در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ حجاب از سر خود برداشتند و خیابان‌ها را به آتش کشیدند، نظم و امنیت مردم را بهم ریخته کردند و منجر به بهم ریخته شدن تمام کشور شدند چه ضمانتی است که حالا برگردند و دیگر اعتقادات خود را به دیگران انتقال ندهند؟ حالا چگونه انتظار می‌رود که این جماعت به دانشگاه بازگردند و نتیجه مثبتی را رقم بزنند؟ رئیس جمهور درباره حق دادن به دانشجو صحبت کردند و اشاره کردند که اگر حق با آنها باشد نباید آنها را بزنیم، اما باید این را هم در نظر بگیریم که جنبش (زن زندگی آزادی) که منجر به

در ابتدای شروع کار دولت جدید دستوری توسط رئیس جمهور محترم در حال اجرا قرار گرفت که منجر به نگرانی و واکنش جنبش‌های دانشجویی و اغلب دانشجو‌ها شده است. برگرداندن استادان و دانشجویان اخراج‌شده که بنا به دلایل انضباطی، علمی و علی‌الخصوص سیاسی در دستور کار دولت جدید قرار گرفته است. بنا گفته‌های رئیس جمهور در جلسه آیین تکریم و معارفه وزیر علوم، دانشجو حق اعتراض دارد و باید حرف خود را بزند و ما مسئولیم که جواب دانشجو را بدهیم. یا حرف او حق است که باید اطاعت کنیم یا حرف او اشتباه است که باید او را هدایت کنیم. همچنین ایشان در ادامه فرمودند که دانشجو نمی‌تواند آدم بدی باشد. دانشجو باید حق سوال کردن را داشته باشد. گر حق با دانشجو است ما

به شکل‌گیری شبکه‌های گسترده‌تری از تعاملات اجتماعی و سیاسی منجر می‌شود. (۳) سازماندهی و همبستگی: بازگشت این افراد می‌تواند به سازماندهی بیشتر و همبستگی میان گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی منجر شود. (۴) تأثیر بر نسل‌های آینده: فعالیت‌های آن‌ها می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر نسل‌های جوان‌تر داشته باشد و آن‌ها را به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی تشویق کند. به طور کلی، بازگشت این جماعت به دانشگاه‌ها می‌تواند به چالش‌های جدی‌تری برای جمهوری اسلامی منجر شود و فضای سیاسی کشور را تحت تأثیر قرار دهد.

نتواند مدیریت شود، ممکن است به افزایش نارضایتی و تنش‌های بسیار بالا در دانشگاه و جامعه منجر شود. چنانچه که هنوز بعد از سه سال برخی از استادان و دانشجویان رفتار مناسبی با مذهبی‌ها ندارند.

در واقع با این دستور کار دولت باید برنامه‌ای هم برای مدیریت آن صورت گرفته شود و گرنه پیامدهای نچندان خوبی همچون:

(۱) افزایش اعتراضات: بازگشت آن‌ها می‌تواند منجر به احیای جنبش‌های اعتراضی و تجمعات گسترده‌تری شود که ممکن است به تداوم نارضایتی عمومی منجر گردد.

(۲) تقویت نهادهای مدنی: فعالیت‌های دانشگاهی می‌تواند به تقویت نهادهای مدنی و اجتماعی کمک کند که در نتیجه

که دانشجویان نمی‌توانند آدم بدی باشد.

بله درست است اما درباره برخی از دانشجویان و یا استادان آیا این حرف صدق می‌کند؟

افرادی که خودروی پلیس را به آتش کشیدند و فرزندانشان را داغ دار کردند و جوانان بسیجی مارا زجر کش کردند افراد خوبی تلقی میشوند؟ نمونه آن پزشکی است که با تمام مسولیت‌هایی که به عنوان پزشک داشت یک جوان بسیجی دانشجوی را به شهادت رساند، یا حتی دانشجویانی که فقط به خاطر مذهبی بودن مورد آزار و اذیت قشری خاص قرار می‌گرفتند.

با این حال مصداق اصلی بحث برگرداندن این افراد این است که اگر با برگرداندن این جماعت جو دانشگاه و جامعه به درستی نتواند مدیریت شود،



# صداقت و خوش‌دلی یا پیشبرد اهداف؟

آنچه در تشکیل کابینه دولت چهاردهم اتفاق افتاد

● زهرا جعفری کارشناسی-مهندسی مکانیک

این حرف‌ها حق انتخاب را از نمایندگان مجلس گرفت. کسی دیگر می‌تواند با لیست پیشنهادی که به گفته آقای پزشک‌پسندان مورد تایید تمام و کمال رهبری قرار گرفته است مخالفت کند؟ حجت‌الاسلام مجتبی ذوالنوری عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در مصاحبه‌ای با باشگاه خبرنگاران جوان در روز ۱ شهریورماه گفت: اعتقادی به هزینه کردن رئیس‌جمهور از رهبر انقلاب ندارم، اما معمولاً دولت‌ها اعضای کابینه خود را با رهبری چک می‌کنند. ممکن است رهبر انقلاب یک گزینه را بگویند بلکه و یک گزینه را بگویند خیر و بسیاری از اعضای کابینه را ایشان اعمال نظر نمی‌کنند جز جاهای حساس البته دولت‌های قبل هم این کار را می‌کردند، اما مکتوب نگه می‌داشتند و بیان نمی‌کردند، اما آقای پزشک‌پسندان بر اساس صداقت و خوش‌دلی که دارند این موضوع را اعلام کردند. سید مرتضی محمودی عضو کمیسیون امور داخلی و شوراهای مجلس شورای اسلامی نیز در مصاحبه‌ای با باشگاه خبرنگاران جوان بیان کرد: نمی‌خواهم بگویم آقای پزشک‌پسندان از سخنان رهبر انقلاب سوءاستفاده کرد و یا خدای نکرده به وی برچسب بزنم، اما سخنان آقای پزشک‌پسندان

در خود نمی‌بینیم. ما نوکری مردم را در خود می‌بینیم. وزیر ارشاد که نمی‌آمد، آقا دستور دادند که آمد. بنده با ایشان صحبت کردم، اما گفت نه نه نه. رفتم خدمت آقا گفتم این لیست هست. گفتم آن نیامد، همان جا تلفن را گرفتند گفتند پاشو بیا. می‌خواهم بگویم هماهنگ شدیم، آمدیم اینجا. خانم صادق مالواجرد را اصلاً خود آقا گفتند بیا. چرا من را وادار می‌کنید چیزهایی که نباید را بگویم. همه عزیزان را با هماهنگی و تفاهم آوردیم اینجا. آقای اتابک، لیستی درست کردند آوردند. صحبت کردیم. دیدیم ایشان هم در بنیاد مستضعفان و هم در اقتصاد بوده است. آدم‌ها را باید در میدان عمل شناخت. کارهایی که در صنعت کرده بر کسی پوشیده نیست. ۴۰ سال ما می‌خواهیم عدالت و انصاف را برقرار کنیم. اما با هم دعوا می‌کنیم؛ این نفس است که نمی‌گذارد. این من است که نمی‌گذارد با شما باشم. دست به دست هم دهیم برای ایران و برای مردم. آقای عراقچی اولین کسی بود که آقا قبول کردند. قبل اینکه اسم وزرا را بگویم آقا ایشان را قبول کردند. نگذارید من وارد جزئیات شوم. رای دهید ما برویم دولت را تشکیل دهیم. رئیس‌جمهور گویی با

رئیس دولت چهاردهم پس از تمام فراز و نشیب‌های یکی از عجیب‌ترین انتخابات‌های ریاست جمهوری، در روز یکشنبه ۲۱ مردادماه ۱۴۰۳، ۱۹ وزیر پیشنهادی خود را به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد. بعد از آن به مدت ۷ روز برنامه‌های وزاری پیشنهادی در جلسات کمیسیون‌های تخصصی مورد بررسی قرار گرفت. جلسات علنی مجلس از روز شنبه ۲۷ مرداد در دو نوبت صبح و بعد از ظهر تا روز چهارشنبه ۳۱ مردادماه، برای بررسی صلاحیت کابینه معرفی شده آقای مسعود پزشک‌پسندان تشکیل شد. در روز آخر جلسات، طی دفاعی که رئیس‌جمهور از لیست وزاری پیشنهادی خود کردند، به طور قابل توجهی بسیاری از رای‌های مخالفین تغییر کرد و تمامی افراد لیست آقای مسعود پزشک‌پسندان برای چهارمین بار توسط مجلس رای اعتماد را کسب کردند. رئیس‌جمهور در صحبت‌های خود بیان کردند: امروز جنگی که داریم بدتر از جنگ عراق است و باید دست به دست هم دهیم. گذشته گذشت. رها کنیم گذشته را. بپذیریم که با تمام وجود با هم به مردم خدمت کنیم. کمک کنید این وحدت و انسجام علی‌رغم همه عیب‌ها برهم نخورد. ما با شما هستیم. هیچ غرور و تکبر



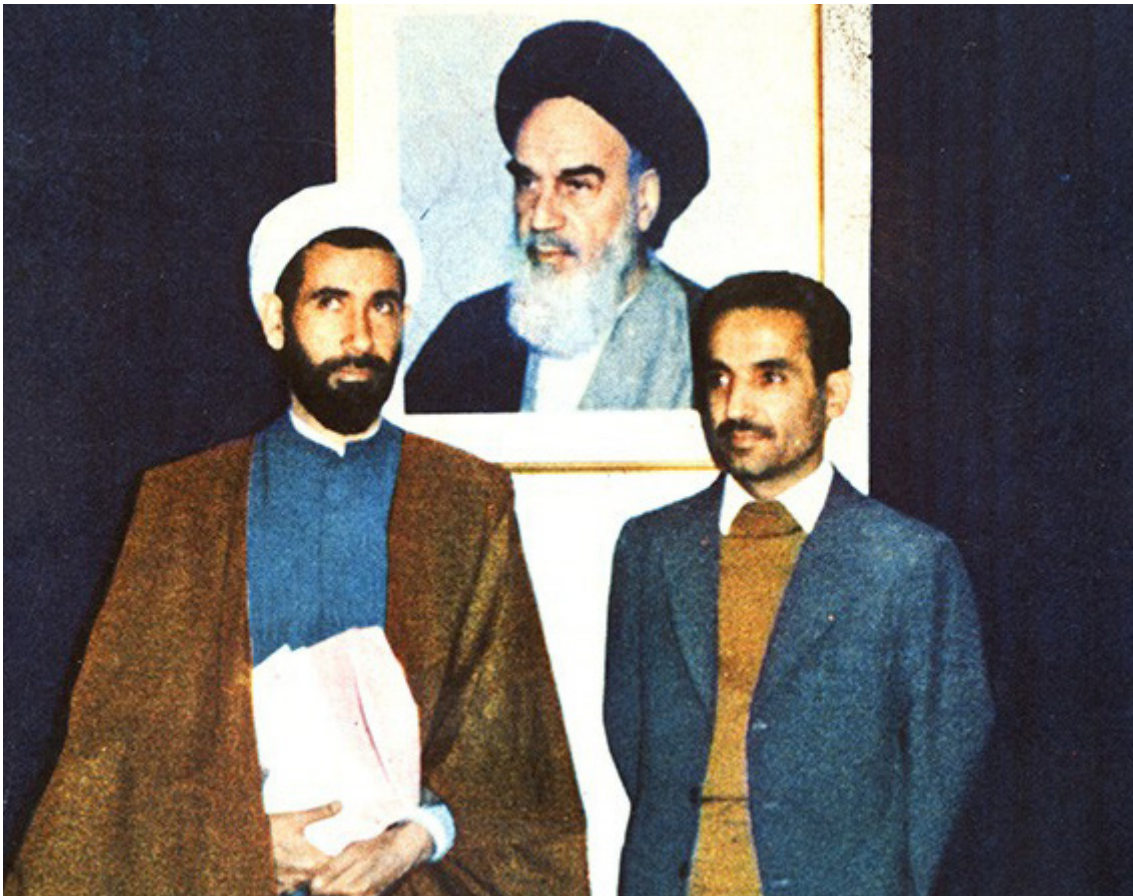
اداره کشور می‌برند، تمام توان و انرژی خود را صرف برای حل مشکلات موجود در کشور کنند. باید با ذره‌بین رصد کرد که به وظایف خود عمل کنند و خط قرمزهای نظام را زیر پا نگذارند. در آخر خدمت به آن گروه همیشه هزینه‌ساز جریان انقلاب باید گفت هر جا خطا در عملکرد آنان و هزینه‌تراشی از آن‌ها دیدید صدای خود را به گوششان برسانید و نقد سازنده کنید و دست از سوءگیری‌های از قبل تصمیم‌گیری شده بردارید و اجازه دهید شکاف عمیقی که بین مردم ایجاد شده کمرنگ شود.

کمر بسته‌اند قبل از شروع هر کاری از دولت جدید به ملت ثابت کنند که این دولت همان دولت سوم آقای روحانی است و وضعیت اقتصادی معیشتی فرهنگی مردم قرار است با همان درصد افولی دوباره را تجربه کند، خسته شده و سعی کرده است برای گرفتن رای اعتماد نمایندگان مجلس، مشورتی مرسوم با رهبری را رسانه‌ای کند تا بتواند خودش و اعضای کابینه‌اش را در دایره وفاداران نظام جای دهد. علی‌ای حال همانطور که به همگی ما در این چند ماه ثابت شده است رئیس جمهور جدید ایران آن ضد انقلابی که مخالف چارچوب و ارزش‌های قانون اساسی و نظام ولایت فقیه می‌باشد نیست. قطعاً تفاوت‌های بسیاری بین ایشان و رئیس جمهور شهید ما وجود دارد، اما باید گذاشت افرادی که شانه زیر بار مسئولیت سنگین اجرائیات و

خصوص تایید وزرا توسط رهبر انقلاب عمل مناسبی نبود و یک خطای راهبردی از طرف رئیس‌جمهور محترم بود. پس از تشکیل کابینه جدید و برگزاری اولین جلسه هیئت دولت چهاردهم با رهبر انقلاب، شاهد بودیم رهبری در بیان چگونگی مشورت رئیس‌جمهور با ایشان درباره کابینه گفتند: بنده تعدادی را که می‌شناختم و یا در مورد صلاحیت آنها از منابع مورد وثوق مطمئن شده بودم، تأیید و بر برخی اسامی تأکید کردم اما درباره تعداد بیشتری که نمی‌شناختم گفتم نظری ندارم که ایشان توانست مجلس را قانع کند و برای همه رای اعتماد بگیرد. به بیان و تحلیل شخصی بنده اگر بخواهیم با حسن نیت به این ماجرا نگاه کنیم؛ رئیس‌جمهور تازه نفس ما از هجمه‌های تند بعضی انقلابیونی که فقط یک قشر خیلی محدود را در دایره انقلاب جا می‌دهند و انگار

# تولد یک فاجعه

● ریحانه صالحی فر - کارشناسی علوم تربیتی



گیج بودم. زمانی که اوضاع کمی آرام گرفت و توانستم به دانشگاه برگردم این استاد درس تاریخمان بود که من را از آن حالت پوچی خارج کرد و نجات داد. بسیاری از دوستان من درگیر سیاست و شرایط حکومت و نظام بودند و این من بودم که همیشه سعی می‌کردم خودم را از همه چیز و همه جا دور نگه دارم تا شاید ذره‌ای آسیب نبینم و درگیر حاشیه نباشم. مادرم همیشه می‌گفت: (سرت تو کار خودت باشه پسر جون. آسته برو آسته بیا تا گربه شاخت نزنه) و منی که خوشبختانه یا شوربختانه تا اون روز گربه شاخم نزده بود، احساس بدی نسبت به خودم داشتم و دلم می‌خواست بدانم

تاریخ ۹ شهریور سال ۶۰ بود، همراه مادر و برادر کوچکترم که از غذا نمی‌دانستم در این شلوغی کجا هستند به مراسم تشییع رئیس جمهور و نخست وزیرش آمده بودم. همه در مقابل مجلس جمع شده بودند. مقصد آن جمعیت بهشت زهرا و خانه ابدی شهیدان بود؛ جایی که دیگر لازم نبود شهیدای ما نگران مردم و آینده جامعه باشند و می‌توانستند در اوج آرامش به آغوش پروردگار خود بازگردند. تنها خدا بود که می‌دانست با این شلوغی و هیاهو چه زمانی به آنجا خواهیم رسید. به هر حال آن همه شیون و زاری، همه آن فریادهایی که یکسره روا می‌داشتند که: (رجایی، رجایی راحت ادامه دارد) تمام شد؛ اما من همچنان

دولت! پس دولت چه می‌شود؟ ما قشر عادی جامعه چه می‌شویم؟ نکنند دوباره دولتمردان در میان اندیشیدن به سود خود ما را در پستوی ذهنشان و در میان هزاران امر بی‌اهمیت دیگر مدفون کنند. خدای من! نه! در چنین افکاری غرق شده بودم که درد شدید انگشت‌های پایم مرا از کابوسی ترسناک به طرز خوشایندی خارج کرد. درد له شدن آن انگشت‌ها خیلی کم‌تر از کابوس درون ذهنم بود. خود را در سیل جمعیت یافتم که هر ثانیه معلوم نبود موج عظیم آنها من را به کدام سمت پرتاب خواهد کرد. ولی باز هم ترس فراموش شدن با وجود این همه آدم روی این گره خاکی در آن لحظات مرا غمگین و پریشان می‌کرد.

چرا مخالفان با نظام کشور من دست به چنین اقدام شنیعی زده‌اند. زمانی که وارد کلاس شدم استاد شایسته روی تخته جدولی درج کرده بودند. اطلاعات داخل جدول به شرح زیر بود: (رویداد: حمله به ساختمان نخست‌وزیری جمهوری اسلامی ایران) تاریخ رویداد: یکشنبه ۸ شهریور سال ۶۰، ساعت ۳ بعد از ظهر/ نوع حمله: بمب‌گذاری/ نوع اسلحه: بمب جاسازی شده در کیف دستی/ کشته‌ها: ۵ نفر، زخمی‌ها: ۲۳ نفر/ قربانی‌های حادثه: محمدعلی رجایی (رئیس جمهور)، محمد جواد باهنر (نخست وزیر)، عبدالحسین دفتریان (مدیر کل مالی-اداری نخست وزیر)/ هوشنگ وحید دستجردی (رئیس وقت شهربانی ایران) و یک پیرزن عابر پیاده/ عاملان حمله: سازمان مجاهدین خلق با همکاری مسعود کشمیری (جانشین دبیر شورای عالی امنیت ملی).

نظر استاد شایسته این بود که همه اعضای جامعه به ویژه قشر جوان باید با توجه به شرایط موجود کشور به میزان بیشتری از روشننگری من‌باب این ماجرا دست‌یابند. من با توجه به نکات جدول تقریباً کلیت ماجرا را فهمیده بودم ولی دلم می‌خواست کمی با جزئیات بیشتر بشنوم. استاد شروع کردند: (بسیار خُب، برای شما نوشتیم عامل اجرایی مجاهدین خلق با مساعدت مسعود کشمیری. این چهره از مدت‌ها قبل با نقشه وارد بدنه نظام شده بود. او چند روز پیش با خونسردی به همراه کیف دستی حاوی بمب خود وارد دفتر نخست وزیر شده بود، حتی با وقاحت تمام با چای از شهدای مظلوم ما پذیرایی کرده بود و این فاجعه را به بار آورد.

او مثل همیشه وارد سالن نشست شد، ضبط صوت مخصوص ضبط جلسات را روی میز گذاشت، و قبل از برون رفتن از جلسه که بهتر است اسمش را فرار نکبت بار بگذاریم بمب جاسازی شده را با ضربه پا به محمد علی رجایی نزدیک تر کرد تا تن پاک آن مرد خدا را با اطمینان بیشتری در شعله‌های آتش ظلم خود بسوزاند. در طی این واقعه قسمت‌هایی از طبقه اول و دوم ساختمان نخست وزیر دچار حریق شدند و دود تلخ و کشنده‌ای تمام فضا را در بر گرفته بود.

پیکر قربانیان این فاجعه چنان در آتش خصم دشمنان بی‌وجدان این کشور به کام مرگ کشانده شده بود که به طرز عجیب و دردناکی قابل تشخیص نبودند. بالاخره نیروهای امدادی در ساعات پایانی آن شب توانستند با کمک یکسری از وسایل شخصی به‌جا مانده از اجساد، هویت آقای رجایی و باهنر را شناسایی کنند. در چنین شرایطی بدترین عامل آسیب‌زا برای یک کشور بی‌ثباتی و عدم تعادل است. راهکار سردمداران نظام برای رفع این چالش چنین بود: طبق اصل ۱۳۰ قانون اساسی شورای موقت ریاست جمهوری تشکیل شد تا تکلیف کشور توسط این شورا که ترکیبی از حجت الاسلام رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، آیت الله موسوی اردبیلی و رئیس دیوان عالی کشور بود مشخص شود.

بعد از کشاکش‌هایی که در آن شرایط کاملاً طبیعی بود این شورا آیت الله مهدوی کنی را با میزان قابل توجهی از آرای موافق به عنوان ریاست جمهوری جدید در تاریخ ۱۱ شهریور به جامعه ایران معرفی کرد.

ناگهان سکوت سرد کلاس توسط صدای کارشناس آموزش دانشکده شکسته شد و استاد از کلاس بیرون رفت. من در آن لحظات بدون اطلاع خودم در گرداب احساسات و عواطف گیر افتاده بودم و اشک‌هایم بی‌خبر از چشم‌ها جاری شده بودند، باورم نمی‌شد آن حادثه تلخ که یک شبه تمام آرزوی ملتی مستضعف را که تازه طعم داشتن مدیران واقعی و علی دوست را چشیده بودند، بر باد داده بود در یک جدول چند بخشی روی تخته کلاس درس ما و در طول یک ساعت و نیم جمع‌بندی شده باشد. مگر می‌شود به این راحتی تاریخ، چنین حادثه دلخراشی را از یاد ببرد؟ مگر می‌شود دست از طلب کشید قبل از اینکه کام یک جامعه با گرفتن انتقام خون شهیدان خود شیرین شود؟! نه! من که بعید می‌دانم.

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

مدیر مسئول: زهرا سعیدی

@anjoman\_islami\_alzahra

@anjomanalzahra

سردبیر: نرگس خطیب دماوندی

هیئت تحریریه: ریحانه زین الدینی، زهرا جعفری، ریحانه صالحی فر

شماره تماس: ۰۹۱۱۲۸۰۵۷۲۶ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰

صفحه آرا: ریحانه زین الدینی